

فصلنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره چهارم
(پیاپی ۱۲) زمستان ۱۳۹۹، صص ۲۵۹۸-۲۵۸۲
بررسی نهادهای آموزشی علوم قرآنی در دوره تیموریان؛ مطالعه موردی مساجد و مدرسه

فروغ رحیم پور^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۵

علی رحیمی صادق (نویسنده مسئول)^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۶

چکیده

هدف پژوهش حاضر، شناسایی کارکرد نظام آموزشی قرآنی، مسجد و مدرسه در دوره تیموریان است. برای این پژوهش از شیوه تحلیلی با رویکرد تاریخی استفاده شده است. یافته‌ها پژوهش‌گویای این است که نظام آموزشی جایگاه ویژه‌ای در تاریخ اسلام دارد، مطالعه و بررسی دستاردهای فرهنگی و علمی اعصار و قرون مختلف، مستلزم توجه به سازمان‌های آموزشی آن دوره، همچون مساجد و مدارس می‌باشد. این امکان به غیر از این که محلی برای مباحث و مناظره محسوب می‌شدند، در جهت اشاعه و انتقال فرهنگ اسلامی کمک شایانی کردند. در دوره تیموریان افراد مقامات حکومتی هر کدام به سهم خود در رشد نهاد آموزشی اهتمام نمودند. با وجود آرامش نسبی، ثبات سیاسی و امنیتی که در پی مرگ تیمور در قلمرو تیموریان به وجود آمد وضعیت معیشت مردم نیز بهبود یافت و زمینه‌ای مناسب برای حرکت علمی و فرهنگی آماده شد و مساجد، مدارس، کتابخانه‌ها و محافل آموزشی فراوانی احداث گردید. بنابراین در این پژوهش سعی بر آن است تا با تکیه بر اسناد و منابع کتابخانه‌ای، چگونگی کارکرد نظام‌های آموزشی قرآنی در حکومت تیموری نشان داده شود. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که تیموریان از یک سو با فراهم ساختن امکانات آموزشی و تسهیلات لازم در جهت رفاه حال اساتید و طلاب علم و همچنین ارتقاء سطح آموزش، گام بر می‌داشتند و از سوی دیگر مشروعیت حکومت را دنبال می‌کردند. در واقع می‌توان گفت تغییر سیاست آنان به سوی گسترش نظام آموزشی به عنوان یک عمل خدایپسندانه، تربیت نیروی اداری و کسب محبوبیت از طریق توجه به علوم در گسترش این نهاد بسیار موثر بود.

کلید واژه: تیموریان، نظام آموزشی، مسجد، مدرسه

^۱ دانشجوی دکترای گروه تاریخ، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران

^۲ استادیار گروه تاریخ، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران

آموزش و پرورش به عمل یا فرآیندی اطلاق می شود که از طریق آن، دانش، مهارت، شایستگی و کیفیت های مطلوب رفتار یا منش به فرد آموخته می شود. هدف اصلی آموزش و پرورش علاوه بر اجتماعی شدن فرد، انتقال دانایی است. (کوئن، ۱۳۸۹) تعلیم و تربیت به مرور از عهده خانواده به جامعه مانند مکتب و مدرسه منتقل گردید، و در این میان اهمیت جایگاه نهادهای آموزشی بیش از پیش روشن شد. (گیدنز، ۱۳۷۶) از این رو نهاد های آموزشی، ابزاری عالی برای پیشرفت تمدن ها به حساب آمد.

با آمدن اسلام روند یادگیری به واسطه ارتباط با سایر دولت ها، تاسیس دیوان های مختلف و بوجود آمدن شغل های اداری سرعت بیشتری به خود گرفت و پیامبر اسلام (ص) مردم را به این امر مهم تشویق می کردند. از سوی دیگر مساجد از اولین نهادهای آموزشی در دوره اسلامی بودند. به تدریج دارالعلمها، مکتب خانه ها، مدارس، خانقاه ها و کتابخانه تاسیس شدند. با گذشت زمان و افزایش علاقه مردم به آموختن و فراهم شدن شرایط آن توسط سلاطین و حاکمان کم کم روند آموزش و نهادهای آموزشی گسترش یافت. اساسا چنین سازمان هایی توسط حکومت ها پدید می آید و مسئولیت اداره آن نهادها بر عهده همان حکومت ها می باشد. البته در کنار حکام، وزراء، بزرگان و علما نیز در ساخت و بنای این نهادها پیشگام بوده اند. مساجد تا قرن چهارم هجری قمری به عنوان مهم ترین مراکز و نهاد های علمی و آموزشی در جهان اسلام به شمار می رفتند. (شانه چی، طحانی، ۱۳۹۲، ۱۵۵)

با تغییر شیوه آموزش به شکل جدیدی از موسسات آموزشی با نام مدارس، مکتب خانه ها پدید آمد. شاید از مهم ترین علل تاسیس این نهاد ها تحول در شیوه آموزش و تدریس موضوعات جدید بود که البته بحث و جدل های زیادی نیز به همراه داشت.

نیمه دوم قرن پنجم هجری را می توان سر آغاز تحولی جدید در نظام آموزشی دانست در این دوره، ابتکار خواجه نظام الملک موجب شد، نهاد های آموزشی مانند مدارس به عنوان ابزاری در جهت بهره گیری های سیاسی، تأیید و اشاعه مذهب رسمی دولت و ابطال عقاید و آرای مخالفان به ویژه مقاومت در برابر شیعه و فرقه اسماعیلیه استفاده شود. در واقع احداث مدارس قرآنی _ دینی و رقابت میان اصحاب سایر مذاهب منجر گردید. به طوری که در سده ششم و هفتم هجری در کشور های اسلامی کمتر نقطه ای یافت می شد که از مدارس دینی و مراکز قرآنی خالی باشد. این دوره از حیث کثرت تعداد مدارس قرآنی از مهم ترین اعصار در تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی به شمار می آید (کسائی، ۲۷۰، ۱۳۶۳) از سده هشتم، علی رغم جنگ ها، ویرانی ها و تاراج های پیاپی شمار مدارس بیش از پیش فزونی گرفت و اسناد و منابع موجود گویای فزونی این مراکز علمی است.

یکی از حکومت های جهان اسلام در این قرن، تیموریان بود که همواره توجه ویژه ای به نظام آموزشی داشت. براساس منابع تاریخی، حکومت تیموریان را می توان در ردیف دوره هایی به شمار آورد که در آن علم و دانش رونق قابل توجهی داشته است. تعداد مدارس و مراکز تعلیم در این دوران بسیار بود.

کثرت و فزونی نظام های آموزشی در این دوره، این پرسش را ایجاد می کند که آیا این جنبه ها، باروری، پویای دانش، پیشرفت های فکری، فرهنگی، هنری و مذهبی به دنبال داشته اند یا اینکه فاقد هرگونه زاینده گی و بالندگی علمی، ادبی و هنری بوده اند. شواهد بر جای مانده حاکی از آن است که این بالندگی علمی در این حکومت وجود داشته است.

بطور کلی در این دوره دگرگونیهای فرهنگی و آموزشی شگرفی شکل گرفت و شاهد رشد مراکز آموزشی متعدد و ظهور چهره های سر آمد رشته های مختلف علمی بود. در حکومت تیموری مدرسه، مسجد، کتابخانه بیشترین رشد کمی را داشتند. از میان مراکز آموزشی آن زمان از لحاظ کیفی مدارس قرآنی دارای اهمیت بیشتری در امر تعلیم بودند. این پژوهش در پی پاسخ گفتن به سوالات ذیل انجام شده است:

۱- عملکرد نظام آموزشی قرآنی مساجد در دوره تیموریان چگونه بوده است؟

۲- عملکرد نظام آموزشی قرآنی مدرسه در دوره تیموریان چگونه بوده است؟

در این پژوهش تلاش خواهد شد تا با بررسی اسناد و داده های موجود تاریخی و در دسترس، به سوالات اصلی ذکر شده و سوالات فرعی قابل طرح زیر مجموعه آن پاسخ لازم ارائه شود.

پیشینه تحقیق:

در ارتباط با کارکرد نظام های آموزشی قرآنی در دوره تیموریان، مقالات مورخان و پژوهشگران- در لابه لای دیگر مباحث- به صورت پراکنده نکات و مطالبی قابل مشاهده و مطالعه است. اما تاکنون در ارتباط با موضوع و مفاهیم پیش رو، پژوهشی مستقل و در بردارنده زوایای مختلف آن انجام نشده است. در این زمینه کی منش (۱۳۷۳) در پژوهشی با عنوان <<کتابخانه های ایران در دوره تیموریان>> به جایگاه علم و تعلیم و تعلم در تاریخ اسلام اشاره و سپس به تاریخچه کتابخانه ها در ایران و در نهایت به سازمان کتابخانه ها در دوره تیموری و نقشی که سلاطین و امیران در تاسیس کتابخانه ها و نقش کتابخانه ها در نهادهای آموزشی پرداخته است. پژوهش دیگری توسط غنیمه (۱۳۷۷) با عنوان <<تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی>> انجام شده است و نویسنده در این پژوهش در باب مراکز علمی و آموزشی اسلامی و تحقیق در برنامه ها و مواد درسی و روش های تعلیم و سنت های معمول در آن مراکز پرداخته است به استناد این پژوهش، محقق در آغاز به ذکر معانی لغوی و اصطلاحی دانشگاه در زبان لاتین و عربی پرداخته است و آنگاه مراکز آموزش عالی پیش از اسلام در مصر، یونان، روم و ایران را به منظور تمهیدی بر

دانشگاه های اسلامی معرفی کرده است و پیدایش مراکز علمی از قبیل مساجد بزرگ (جامع) یا دانشگاه های عمومی اسلامی، سپس دارالعلم ها، کتابخانه ها، مدارس، بیمارستانها، خانقاه ها، فلسفه تعلیم از دیدگاه اسلامی و فعالیت علمی و آموزشی و نظام اداری و سنت های رایج در مراکز مطرح شده مورد بررسی قرار داده است. همچنین الهیاری و فیاض و گودرزی (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان <<نهضت توسعه نهاد های آموزشی در دوره تیموری و نقش سلاطین و خواتین در پیشبرد آن>> به احداث مدارس و حمایت از مراکز آموزشی توسط سلاطین، شاهزادگان و امراء اشاره می کند و بیان می کند سلاطین تیموری به علم آموزی، ایجاد مراکز آموزشی و نهادهای وابسته به آن، نگاه مثبتی داشتند. وضعیت آموزشی از جهات بسیاری منسجم و قابل توجه بوده است، اغلب مدارس و نهادهای آموزشی توسط سلاطین و وزراء احداث شده بود، زیر نظر همان بانیان اداره می گشت. روابط دوستانه حاکمان تیموری با دانشمندان و مشایخ آن روزگار و بازتاب این روابط در احداث مراکز آموزشی و آثار علمی به جای مانده از دیگ یافته های این پژوهش بود. خدا رحم (۱۳۹۵) نیز پژوهشی با عنوان <<بررسی دستاوردهای علمی و فرهنگی شاهرخ تیموری>> انجام داده است که پژوهش وی بیان می کند، پایبندی شاهرخ به اسلام و علاقه او به فرهنگ هنر و همچنین توجه و ارادت به علما و مشایخ باعث شد که در امر شکوفایی فرهنگ و هنر کوشا باشد و بخش مهمی از دستاوردهای فرهنگی شاهرخ مرهون صلح و ثبات اقتصادی بود و دانشمندان و هنرمندان با خیال راحت و با پشتوانه حمایت شاهرخ به فراگیری علم و دانش مشغول بودند. شایسته فر (۱۳۸۸) نیز در پژوهشی با عنوان <<نقش زنان بانی در گسترش معماری عصر تیموری و صفوی>> به حضور مستقیم زنان و تاثیر مستقیم آن ها در خلق بنا ها پرداخته است. پژوهش مذکور اشاره دارد که حضور زنان در مسایل سیاسی و تاثیر آنها در حکومت وقت، سبب خلق بناهایی شد که در کمتر دوره ای از تاریخ معماری ایران به چشم می خورد. محقق سپس به معرفی زنان فعال در این عرصه و بناهای بجا مانده از آن پرداخته است.

روش پژوهش:

پژوهش در زمره مطالعات تاریخی قرار دارد و روش آن شیوه توصیفی-تحلیلی است ابزار جمع آوری اطلاعات در این پژوهش، مطالعات کتابخانه ای و روش فیش برداری است و جامعه آماری نیز منابعی است که در راستای شناسایی عملکرد نظام آموزشی قرآنی در دوره تیموری کار شده اند. به این ترتیب ابتدا به مطالعه منابعی که به مفهوم عملکرد نظام آموزشی تاریخ اسلام مورد بررسی قرار گرفته است و در گام بعدی دستاوردهای نظام آموزشی قرآنی مسجد و مدرسه در دوره تیموریان بر اساس منابع استخراج و تبیین شده است. همچنین نمونه گیری از این جامعه به طور هدفمند بر اساس موضوع پژوهش (عملکرد نظام آموزشی قرآنی حکومت تیموریان) مطالعه موردی مساجد و مدرسه) انتخاب شده است.

پیشینه آموزش قرآن در اسلام

نخستین واژه طلیعه نبوت، در کلام الهی با « خواندن » (اقرار با اسم ربک الذی خلق ... قرآن مجید ، علق ۵/۹۶) آغاز شد و درباره دانش آموزش و ارزش دانش آیات فراوان نازل گردید. (یرفع الله الذین آمنو و الذین اوتوا العلم درجات . قرآن مجید ، مجادله/۱۱/۵۸) و دانایان ب نادانان برتری یافتند (هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا

یعلمون . قرآن مجید ، زمر/۱۹/۲۹) و راه فراخواندن مردم به اسلام ، از طریق حکمت و پند، بهترین روش های آموزشی شناخته شد (ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم باللّتی هی احسن . قرآن مجید ، نحل /۱۲۶/۱۶۰) وگزینش بهترین سخنان فضیلت به شمار آمد . (فبشر عبادی الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه . قرآن مجید ، زمر/۱۹/۳۹)

پیامبر اسلام و بزرگان دین و امامان مذهب بر پایه اصول و هدف های قرآنی درباره تعلم و جایگاه معلم و تکالیف متعلم حد و رسمی را تعیین کرده اند که به اختصار می توان از آن یاد کرد:

الف: ارزش و شرافت علمی ، امام علی (ع): هیچ ارزشی بالاتر از علم نیست ، (صابری یزدی، ۱۳۷۵: ۴۹) حضرت محمد (ص): هیچ عاملی نمی تواند جلوگیری علم آموزی باشد. (سلامه قضاعی، ۱۳۹۷: ۶/۲۱)

ب: وظیفه علم آموزی ، حضرت محمد(ص): جست و جوی علم بر زن و مرد مسلمان واجب است . (کلینی، ۱۳۹۷: ۳۰/ ۱)

ج : سنجش و احترام معلم ، امام علی(ع): احترام بر نفس علم لازم است و از هر کس باید آموخت و عالمان و آموزگاران را در مقام و منزلت تکریم کرد . (مجلسی، ۱۳۸۷: ۲/۹۷)

د : زمان آموزش ، حضرت محمد (ص): مسلمانان باید زگهواره تا گور دانش بجوید . (پاینده، ۱۳۲۴: ۲۱۸)

ه : مکان آموزش ، حضرت محمد (ص): مسلمان جوینده علم باید مرزها را در نوردد و در صورت لزوم به دورترین نقطه جهان برای دانش اندوزی عزیمت کند . (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۲۷/ ۲۷)

و : نشر وگسترش دانش ، امام سجاد(ع): احتکار علم و نیاموختن آن به دیگران تقبیح شده است . مسلمان باید دانش خود را به دیگران فرا دهد . (آمدی، ۱۳۷۵: ۵۳/ ۱)

هدف های برخاسته از منظرهای یاد شده به گونه ای یادآور **اصل علم برای علم** است و این اصل به تحقیق در شرایطی می تواند غایت همه حرکت های انسان باشد. با در نظر گرفتن این اصل بی تردید علم نیز باید در خدمت عدالت باشد ، یعنی در روند نجات و رستگاری انسان و به زبان دیگر برای آزاد شدن و بازیافتن هویت انسانی در جامعه مبتنی بر عدلت قرار گیرد که یادآور **علم برای انسان** است. بدین اعتبار علم مطلق یا علم آموزی عینی که بتواند در خدمت انسان و رهایی او از هر نوع ستم باشد ، هدف آموزش اسلامی به شمار رفته است .

خاستگاه آموزش در دوره پیدایش آن دیانت، شفاهی بوده و گاه پیش از رسالت ، کتابت ننگ به شمار می آمد به طوری که پاره ای منابع در زمان حضرت محمد(ص) از هفده تن وابسته قبیله قریش یاد کرده اند که خواندن و نوشتن می دانستند .

در آغاز با کمک گرفتن از ذمیان پس از پیکار بدر، توجه به تعلیم و نگارش مشهود و پس از آن آموزش کودکان در منازل مرسوم شد که نخستین آموزشگر عبدالله بن سعید بن امیه بود. (تکمیل همایون، ۱۳۸۵: ۲۴)

هم زمان «دارالقرآن» برای آموختن کلام الله مجید پدید آمد که در دوره خلفای راشدین توسعه بیشتری پیدا کرد و در عصر فتوحات، خاصه در سرزمین های بین النهرین، مصر و ایران که سابقه آموزش وجود داشت، نهادهای آموزشی و پرورشی از این دست رشد و گسترش چشمگیری یافتند.

پیشینه آموزش در مساجد

در تاریخ اسلام، مساجد به عنوان اولین مراکز فرهنگی به شمار می رفتند. مسلمانان در مساجد ضمن برپایی نماز و نیایش و امور عبادی به سایر کارهای فردی و اجتماعی نیز می پرداختند. هنگامی که متکلمان و فقها و علما در مساجد به بحث و تدریس علوم قرآنی، حدیث، ادبیات و یا تدریس در حوزه علمی دیگر می پرداختند، هر مسافریا عابری که از آن جا عبور می کرد این امکان را داشت تا از چنین فرصتی استفاده کند. این روش به صورتی پسندیده با رسم سفر در راه طلب علم بستگی داشت. جغرافیا نویسان، جهانگردان و اهل فضل غالبا از این گونه حلقه ها استفاده فراوانی میکردند. در تاریخ تعلیم و تربیت اسلامی دو اصطلاح مسجد و مدرسه در بسیاری از موارد به جای یکدیگر به کار می رفتند (حتی، ۱۳۵۰: ۳۱۴). کارکرد و شکل ظاهری مساجد و مدارس به قدری شبیه به یکدیگر بود که جدانمودن این دو مکان بسیار مشکل بود. تفاوت های این دو مکان را تنها می توان در ایوان که آشکارترین سیمای ویژه مدارس بود و همچنین وجود خوابگاه و بخش مسکونی طلاب که در اکثر مدارس وجود داشت دانست. غالبا موقوفات مدارس نسبت به مساجد بیشتر بود زیرا مساجد به جهت کمبود فضا و رعایت پاره ای از مسائل شرعی، محدودیت پذیرش طلاب به خصوص در مورد کودکان را داشتند. (شلیبی، ۱۳۶۱: ۹۹) از همان روز های آغازین پیدایش مساجد، نقش محوری و مهم آن به وضوح مشاهده شد. مساجد این نقش کلیدی را در تمامی ادوار به خوبی ایفا کردند و روز به روز مرتبه علمی و آموزشی این اماکن ارتقاء یافت (امیر خانی، ۱۳۸۳: ۹۱).

روش آموزش قرآن در مساجد تیموری

در دوره تیموری دو روش برای آموزش قرآن وجود داشت: یکی شیوه منبری و دیگری حلقه ای انجام می پذیرفت. در آموزش قرآن به روش منبری که امروزه نیز کاربرد بسیار دارد واعظ بر منبر رفته و شروع به سخنرانی می نمود. معمولا در آموزش منبری، یاددهی به عامه مردم مورد نظر بود، به همین سبب بیشتر به آیات - روایات، احکام دینی و داستان های از تاریخ اسلام و مشابه اینان پرداخته می شد. البته مردم به طرح پرسش از واعظ نیز می پرداختند و پاسخهای متناسب دریافت می داشتند، چنانکه ابن بطوطه، جهانگرد مسلمان سده هشتم هجری، در این باره در سفرنامه خویش چنین نوشته است: «رسم ایرانیها این بود که سوالات خود را در رقعها می نویسند و به سوی واعظ می اندازند. شیخ رقعها را در دست جمع می کرد تا در پایان سخن یکایک آنها را بر می گشود و جوابهای بسیار به جا و مناسب می داد.» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱/۲۳۸)

اما تدریس به روش حلقه ای، با ایجاد مدارس در سده های نخستین اسلامی با اینکه از رونق این روش کاسته شد اما هرگز زوال نیافت (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱/۳۰۹) برای تعلیم علوم و به ویژه علوم قرآنی، فرقه های مختلف در مسجد جمع می شدند و به دور استاد دایره وار می نشستند که این مجامع اصطلاحاً، حلقه نامیده می شد. گاه در یک مسجد چند حلقه برگرد استاد تشکیل می شد و هر حلقه منسوب به استادی بود که آن را ایجاد می نمود. اهمیت حلقه ها به کثرت یا قلت مراجعه مردم به مسجد ها بستگی داشت، چنانکه در مساجد درجه دوم به طور معمول بیش از یک حلقه تشکیل نمی شد، در صورتی که در برخی مساجد تعداد حلقه ها به سی و چهل نیز می رسید و هر یک اختصاص به موضوعی معین مانند قرآن، تفسیر، حدیث و امثال آنها داشت (صفا، ۱۳۶۳: ۸)

استادان در مساجد املاء حدیث می نمودند. (همان: ۹) املاء اصطلاحاً به درسی گفته می شد که استادان در حلقه خود بیان می کردند به نحوی که شاگردان از آن یادداشت برمی داشتند و البته یادداشت برداری را، مستملی، می نامیدند. از طریق املاء معمولاً کتابهایی به دست می آمد که آن را، امالی می خواندند. (همان: ۹) در مساجد محل هایی به نام شبستان وجود داشت که برای برگزاری مراسم عبادی و تدریس استفاده می شد. مساجد بزرگ رواق های زیادی داشتند که هر قسمتی به نام استادی تعلق داشت و حتی پس از گذشت سالیان متمادی این شبستانها به نام آن اساتیدی که در آنجا سکونت داشتند نامیده می شد. (ضمیری، ۱۳۷۱: ۱۱۲) آموزش غالباً پس از فراغت از انجام مراسم عبادی مانند نماز صبح و به ویژه نماز ظهر و دوره انجام می گرفت. اهمیت هر حلقه درس به شایستگی مدرس آن درس بستگی داشت. در مساجد قرآن، حدیث، تفسیر، فقه، اصول دین، صرف و نحو عربی، منطق و ادبیات عرب تدریس می شد. هر مسجد، کتابخانه های کوچک و بزرگی داشت که از طرف امیران، وزیران و دانشمندان برای طالبان علم وقف شده بود. بانیان غالباً در جنب مساجد و مدارس حجره هایی می ساختند تا طالبان علم که از شهرهای دیگر برای یادگیری می آمدند بدون جا و مکان نباشند. و با در اختیار گرفتن اتاقی برای سکونت و مطالعه در جوار مدرسه از اتلاف وقت و تحمل هزینه زندگی مصون بمانند، از آن جا که کتاب لازمه تحصیل و یادگیری است، در غالب مدارس و مساجد کتابخانه هایی احداث می گردید و کتاب های موجود در آن کتابخانه ها، با نظر مدرسان و نحوه تدریس و تحصیل در آن اماکن ارتباط داشت. (ایمانیه، ۱۳۵۵: ۴۲)

مساجد آموزش قرآن در دوره تیموری

هنگام تحقیق پیرامون نظام آموزشی قرون هشتم و نهم مساجد زیادی در ردیف معتبرترین مراکز آموزشی قرآنی محسوب می شدند. از ابن بطوطه جهانگرد مشهور قرن هشتم منقول است وقتی وارد شهر شیراز می شود در مسجد جامع این شهر در درس حدیث حضور یافته، حال اینکه پیش از ورود به شیراز در مسجد جامع بغداد در حلقه درس قرآن و حدیث نیز حضور داشته است. به گفته وی با وجود مدارس قرآنی بزرگ شهر بغداد همچنان حلقه آموزش قرآنی در مساجد از رونق زیادی برخوردار بوده است. (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱/۱۹۳)

با توجه به رویکردی که سلاطین و شاهزادگان تیموری نسبت به مساله آموزش داشتند در کنار احداث مدارس، مساجد با شکوهی بنا گردید از جمله این مساجد، مسجد جامع هرات بود. به نقل از خواند میر، به فرمان شاهرخ، امیر جلال الدین فیروز، ماموریت مرمت و تعمیر این مسجد که در زمان ملک غیاث الدین کرت، احداث شده بود

را یافت (خواند میر، بی تا: ۹). بنیان مساجد موقوفات زیادی در جهت امور آموزش قرآن و نگهداری و حفاظت اماکن مقرر می نمودند و مقرری اندکی نیز برای طلاب علم قرار می دادند که به رسم آن زمان اجراء گفته می شد. این کمک ها از محل موقوفاتی که اهل خیر و سلاطین و بنیان وقف مساجد می نمودند پرداخت می شد.

از مهمترین مساجد آموزش قرآن دوره تیموری: مسجد جامع علیشر که توسط امیر علیشیر نوایی وزیر تیموری در هرات ساخته و همچنین مسجد افضل الدین محمد در هرات که این فرد نیز وزیر و معاصر امیر علیشیر بوده.

مدارس آموزش قرآن دوره تیموری

دوره تیموری در هریک از مراکز آموزش قرآنی برای پرورش دادن متعلمین با توجه به دلایل مختلف به گونه هایی متفاوت از هم سازماندهی می شدند. با این وجود شیوه های مدیریت در تمام سامانه های آموزش قرآن از مشابهت های عمده ای برخوردار بود. به عنوان نمونه، تقریباً کانونهای آموزش قرآن چون مدارس، کتابخانه ها و... نیازهای مالی خویش را از سوی موسس و بانی و در پاره ای اوقات از سوی بزرگان و نیکوکاران در اختیار مراکز آموزشی قرار میگرفتند. (نعمتی لیمایی، ۱۳۸۵، ۱۲۳)

طالبان علم در چهار چوب مشخص و با پشتوانه ی سامانه ای هدفمند گام در راه آموختن نهند. به طور معمول هنگامی که آموزنده در یک شاخه از علوم قرآنی به درجه کمال می رسید از استاد خویش اجازه نامه ای دریافت می داشت و از سوی استاد خود رخصت می یافت تا موضوع مورد بحث را به دیگران بیاموزد. (کشاورزی، ۱۳۸۲، ص ۸۳) در سده نهم هجری، موضوع اجازه از استاد چنان اهمیت یافت که اجازه نامه بسان گواهینامه ای علمی برای پرداختن به تدریس شد یعنی آنکه، کسی حق تدریس نداشت مگر آنکه از سوی استادی که در نزدش دانش را فرا آموخته اجازه تدریس بیابد. (صفا، ۱۳۶۳، ۴۸)

نکنه ای که مطرح بود، دانشجو در عین دانشجو بودن امکان داشت مدرس هم باشد و خود از استادی دیگر درس بیاموزد. (کشاورزی، ۱۳۸۲، ۸۹) به عنوان نمونه، الغ بیگ تیموری، بر اساس برخی روایات تاریخی در مدرسه ای که خود در شهر سمرقند بنا نهاده بود تدریس می نمود، در عین حال در همان مدرسه بر سرکلاس درس دیگر بزرگان عرصه اندیشه شرکت می جست. (واصفی، ۱۳۴۹، ۱/۴۰)

مدارس که پس از حمله مغول احیا گشتند با حمایت خاندانهای حکومتگر محلی چون اتابکان فارس و آل مظفر و از سوی دیگر در زمان تیموریان با وجود حمله امیر تیمور بر شمار مدارس قرآنی افزوده شد، زیرا شاهان تیموری و حتی خود امیر تیمور دواستداران علم و دانش بوده و بر گسترش آن اهتمام ورزیدند، چنانکه از تزوکیات تیموری که مجموعه ای از سخنان منتسب به امیر تیمور در بر دارد بر می آید که وی در هر شهر مسجد و مدرسه قرآنی بنا می نمود. (حسینی تربتی، ۱۳۴۲، ۳۷۰)

نکنه قابل توجهی در مورد کارکرد غالب مدارس ذکر شده وجود دارد، این نهاد ها صرفاً مکانی برای تعلیم و تعلم نبوده است، بلکه کارکردهای دیگری داشتند از جمله مکانی برای استراحت مسافرین و در راه ماندگان نیز بوده است. این بطوطه جریان سفرش از ایزده به اصفهان را این گونه نقل می کند: « منزل اول در مدرسه سلاطین که

مقبره خانوادگی پادشاهی است توقف کرده و چند روز را در آنجا گذرانندیم. راه ما از میان کوه های بلند می گذشت و هر شبی را در مدرسه ای منزل می کردیم که در همه این مدارس وسایل خورد و خوراک مسافری فراهم بود. این مدرسه ها برخی در میان آبادی ها قرار گرفته بود و برخی در مواضع غیر معمور بنا شده است و به ناچار اجناس مصرفی را از نقاط دیگر می آوردند. « (ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ۱/۲۱۰)

از مهمترین مدارس قرآنی که دوره تیموری ساخته شدند: مدرسه گوهر شاد (هرات)، مدرسه افضل الدین محمد (هرات)، مدرسه علیشیر نوایی (هرات)، مدرسه جامی (هرات)، مدرسه گوهر شادبیگم (مشهد).

روش آموزش قرآن در مدارس در دوره تیموری:

کار تدریس در مدارس قرآنی بر عهده دو گروه مدرسان و معیدان بود مدرسان، عامل اصلی آموزش بودند. «استاد با طمأنینه و وقار تمام با قبای ساده در بر و دستاری سیاه بر سر در قبه چوبین بر فراز کرسی می نشیند و روی کرسی و بساطی می افکند. در طرفین استاد دو نفر معید می نشینند که هرچه او املا می کند اینان تکرار کنند.» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ۱/۲۷۵)

معیدان به واقع نقش دستیار را برای آنان ایفا می کردند. وظیفه معید که در لغت به معنی تکرار کننده می باشد آن بود که دروسی را که مدرس درس می گفت دوباره بازخوانی نماید تا همه شاگردان بتوان از آن آگاهی یابند و یا آن را حفظ کنند (نخستین، ۱۳۶۷، ۷۹)

روش تدریس در مدارس قرآنی و دینی بر اساس مناظره بود زیرا روش مناظره به طلاب کمک می نمود تا حافظه آنها در برابر مسائل مطروحه عکس العمل سریع و مداوم نشان دهد. (ضوابطی، ۱۳۵۹، ۱۸۲)

از آنجا که اساس تحصیلات در این دوره عموماً رنگ دینی داشته است، مدارس قرآنی به دو شکل فعالیت داشتند. یکی مکتب خانه ها که دوره ابتدایی در آن ها سپری می شد. نوع دیگر مدرسی بود که مخصوص دوره های عالی تر تحصیلات بود. در این مدارس قرآن، تفسیر، حدیث، فقه، کلام و اخلاق تدریس می شد. در حقیقت علوم عربی و علوم قرآنی برای کمک بیشتر به فهم قرآن و مباحث دینی و درک لطائف ادبی کلام الله تدریس می شد. مدارس قرآنی و مکاتب غالباً توسط علما دینی و اصحاب مذهب اداره می گردید و بنیان قصدشان نیز اشاعه مذهب و ترویج علوم دینی بود. افراد در اولویت علوم دینی بر علم دیگر تردید نمی کرد (پارشاظر، ۱۳۲۴، ۱۶).

برخی مدرسه های قرآنی معمولاً دارای یک ایوان بوده است. طلاب به صورت حلقه در آن مکان می نشستند و مدرس به آنان تعلیم می داد. در حلقه های درس و بحث، مناظره طلاب با مدرسان (در چارچوب پرسش و پاسخ) و با یکدیگر (با هدف روشنگری) از بهترین سیمای آموزش نظام مدرسه قرآنی بوده است. در این مراکز آموزش با پرورش (عملکرد دینی) بر پایه اصول یاد شده سخت آمیخته بود. (تکمیل همایون، ۱۳۸۵، ۴۰)

روش اداره مدارس قرآنی دوره تیموری:

در مورد نهادهای آموزشی قرآنی دوره تیموری و نحوه اداره آن باید اشاره کرد، این مراکز تنها عده ای طالب علم، در کنار مدرس به امر تعلیم و تعلم می پرداختند. در ساختار نهاد های آموزشی دوره تیموری، فعالیت های کارکنان به نحوی دقیق و سنجیده، سازمان دهی شده بود. علاوه بر کادر آموزشی که وظیفه مدیریت و تدریس را برعهده

داشتند، تعدادی نیروی انسانی در قالب کادر اداری و خدماتی انجام وظیفه می‌کردند. در مقدمه تذکره مجالس النفائس امیرعلیشیر نوایی می‌توان با کارگزارانی که در این کادر انجام وظیفه می‌کردند آشنا شد. در این اثر به غیر از مدرسان و طلاب به حضور واعظ، امام، طباح، طبق چی، فراش، خادم، مشرف، متولی مدرسه و خانقاه اشاره شده است (نوائی، ۱۳۶۳، ۲۳).

در واقع در ساختار آموزشی قرآنی دوره تیموری بسیاری از ملزومات و پیش نیازهای رشد و تعالی یک نظام آموزشی در نظر گرفته شده بود. در این دوره هر مدرسه موقوفاتی داشت که بانی و موسس آن‌ها را برای تامین هزینه‌های مدرسه وقف می‌نمود. واقف سندی موسوم به وقف نامه، مدارک، دارایی، موقوفه و چگونگی استفاده از آن و روش اداره مدرسه و ملحقات آن را مشخص می‌کرد (سلطان زاده، ۱۳۶۴، ۳۹۶).

غالباً اداره مدارس قرآنی، بین مدرسان و متولیان و گاهی سلاطین در حال گردش بود، بسیار اتفاق می‌افتاد که واقفان در برنامه‌های داخلی مدرسه و چگونگی را و روش تدریس دخالت می‌کردند یا در وقف نامه مدرسه شرایطی را قید می‌کردند (درانی، ۱۳۷۶: ۸۳).

معمولاً مدرسان به فرمان و صلاح دید پادشاهان تیموری انتخاب می‌شدند و گاهی اوقات این انتخاب به صلاح دید متولیان مدارس انجام می‌گرفت. تعیین دروس آموزشی و پرداخت مقرری به مدرسان، محصلین، کارکنان مدارس نیز به عهده سلاطین و یا متولیان بود. البته مقدار مقرری آنها بسته به رتبه علمی و سابقه تدریس و تحصیل آن‌ها بود. (خوافی، ۱۳۵۷، ۱۲۶).

ابن بطوطه اشاره می‌کند، در شهر ایزده زاویه را مدرسه می‌نامیدند، اداره و نظارت تمامی زاویه‌ها به عهده شخصی به نام شیخ نورالدین کرمانی بوده است. وی اظهار داشته در شهر ایزده چهل و چهار خانقاه موجود بوده و یک سوم از مالیاتی که حاکم ایزده از مردم دریافت می‌کرده است، صرف زوایا و مدارس در این شهر می‌شده است (ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ۱/۲۰۴). با توجه به گزارش ابن بطوطه، غالباً مخارج مراکز آموزشی قرآنی از طریق مالیات تامین می‌شده و اداره این مراکز بر عهده متولیان قرار داشته است که در مجموع تمامی متولیان تحت نظارت ناظری انجام وظیفه می‌کردند. به یقین وجود چنین مدیریتی حاکی از یک نظام آموزشی پیشرفته است.

سلاطین تیموری پس از احداث مدارس قرآنی، مستغلات و مزروعات زیادی وقف آن مراکز می‌کردند و همه ساله از درآمد موقوفات پس از کسر مخارج مبلغ قابل ملاحظه‌ای که زیاد می‌آمد را در خزانه همان مدرسه ذخیره و صرف امور آموزشی می‌نمودند (سمرقندی، ۱۳۸۳، ۲/۲۳۷). غالباً بانیان مراکز آموزشی قرآنی در وقف نامه‌های خود شروطی قید می‌کردند. به طور مثال در وقف نامه مدرسه غیاثیه قید شده بود که اعلم علمای خراسان باید سمت تدریس این مدرسه را به عهده گیرد. اعلم علمای آن روزگار مولانا کمال الدین مسعود شیروانی بود، وی در علم قرآنی تفسیر قرآن، علم حدیث، اصول فقه، علم کلام و منطق تبحر فراوانی داشت. البته ایشان مدت مدیدی مدرس مدرسه گوهرشاد آغابگم بود (میرخواند، ۱۳۳۹، ۷/۲۷۴).

یکی از اسناد به جامانده دوره تیموری، متن نامه ای از احمد خوافی است که در کتاب منشالانشاء به شرح زیر آمده است.

«فرمان واگذاری سمت تعلیم دبیرستان خانقاه رسالت پناه در شهر هرات به شاعر و خوشنویس نامی سلطان احمد مجنون: برادران نامدار و فرزندان سعادت یار و اروغ همایون و وزرای صاحب تمکین و مباشران اعمال موقوفات همه بدانند که چون در مبادی احوال دولت ابدی الاتصال در خانقاه مقدس حضرت رسالت پناه خاتم انبیا (ص) که متصل چهار سوق دارالسلطنه هرات... احداث یافته و... بنا بر تمهید آن مدت متمادی مولانا المرحوم جلال الدین محمود رفیقی حسب الحکم مطاع ان امر شریف رامتعهد بود و چون مولانا مشارالیه ودیعت حیات سپرده فرزند رشید او مولانا الفایز به تحصیل الفنون سلطان احمد متخلص به مجنون به صلاحیت و مقدمات علوم دینی و فنون فصاحت از نظم و نثر و حسن خط از هر نوع ممتاز و سرافراز است...» (خوافی، ۱۳۵۷، ۱۲۵-۱۲۶).

با استناد به متن فوق متولیان و مدرسان مدارس قرآنی می بایست از درجه علمی قابل توجه و شأنی شایسته در امور علمی برخوردار باشند تا بتواند با توجه به کفایت علمی خود به اداره مدارس قرآنی منصوب گردند. در تایید شأن و مرتبه علمی سلطان احمد مجنون و همچنین بر صلاحیت وی در علوم دینی و علوم عقلی، تبحر و فصاحت در نظم و نثر و حتی حسن خط او تاکید فراوانی شده است. اما نکته قابل توجه در این فرمان، عنوان فرمان است، چرا که غالباً تصور می شود خانقاه ها تنها مکانی برای گوشه نشینی و خلوت بوده و یا فقط اختصاص به تدریس علوم دینی و عرفانی داشته است، در حالی که عنوان نامه فرمان واگذاری سمت تعلیم دبیرستان خانقاه می باشد این گونه به نظر می رسد که با توجه به ظرفیت ها و قابلیت های سلطان احمد مجنون، وی به غیر از تعلیم علوم دینی در حیطه شعر و ادب و کتابت نیز سر آمد بوده است. به همین جهت مقرر گردیده بود در این زمینه نیز فعالیت داشته باشد. بنابر این می توان گفت، اهداف آموزشی مدارس و خانقاه ها در قلمرو تیموریان تا حدود زیادی همسو بوده و حتی برخی اوقات تکمیل کننده یکدیگر بوده اند.

مقرری اساتید و شاگردان دوره تیموری:

در کمتر منبعی می توان که به وضوح در باب میزان حقوق و مقرری طلاب و مدرسین بحث رانده باشد. در دیباچه موقوفات امیر علیشیر به میزان مقرری طالبان علم و علما اشاره مختصری شده است. در این وقفنامه قید شده است برای تدریس در دو صنف شرقی و غربی مدرسه، دو مدرس تعیین شده بود، که یکی از آنها تدریس اصول و فروع فقه و دیگری درس اصول و فروع حدیث را برعهده داشت. برای هریک از این دو مدرس، سالانه یک هزار و دویست سکه طلا و بیست و چهار بار غله که یک سوم آن گندم باشد، تعیین گردیده بود. هر کلاس می بایست یازده طالب علم را برای تحصیل در خود جای دهد. البته برای این طالبان علم نیز مقرری سالیانه در نظر گرفته شده بود و مقدار این مقرری به میزان استعداد، تلاش و نتایج علمی آنان بستگی داشت، به گونه ای که به هریک از سه نفر اول در هر کلاس که از نظر تحصیلی در مرتبه ای عالی قرار داشتند، بیست و چهار سکه طلا و پنج بار غله پاداش داده می شد. به هر کدام از چهار نفر بعدی که جزء شاگردان متوسط بودند، شانزده سکه طلا و چهار بار

گندم تعلق می گرفت و به هشت نفر آخر که در شمار ضعیف ترین شاگردان این دو کلاس محسوب می شدند، دوازده سکه طلا و سه بار غله داده می شد (نوائی، ۱۳۶۳، ۱۴).

این مقرری ها تنها به مدرسان و طالبان علم اختصاص نداشت، بلکه تمامی کارکنان مدارس قرآنی از مقرری سالیانه ای به شرح زیر برخوردار بودند: برای شیخ، یک هزار عدد سکه طلا به صورت نقد و ده بار غله که نصف گندم و نصف جو بود پرداخت می شد. به امام که خطیب مسجد جامع نیز بود پانصد عدد سکه طلا و ده بار گندم داده می شد. برای طباطبائی خانقاه، دویست و هشتاد عدد سکه طلا و پنج بار گندم، برای طباطبائی چی دویست عدد سکه طلا و پنج بار گندم، برای فراشان و خادمان هر کدام یکصد عدد سکه طلا و پنج بار گندم، به مشرف پانصد عدد سکه طلا و پنج بار غله تعلق می گرفت و به متولی مدرسه سه هزار عدد سکه طلا و سی بار غله اختصاص داده می شد. (همان، ۱۵)

براساس مطلب ذکر شده در این منبع، می توان دریافت که مرتبه علمی مدرسان قرآنی و جایگاه کارکنان مدارس قرآنی در میزان مقرری آنان دخیل بوده و حتی این تقسیم بندی متفاوت مستمری می توانست حس رقابت بیشتری را در میان طالبان علم برانگیزد تا برای دریافت بیشتر، تلاش مضاعفی انجام دهند.

با توجه به اینکه حکومت محوری، یکی از ویژگی های مهم نهاد های فرهنگی-آموزشی دوره تیموریان بوده است اکثر قریب به اتفاق مساجد و مدارس قرآنی، کتابخانه ها و موسسات عام المنفعه به دستور حاکمان و صاحب منصبان ساخته می شد و یا به نوعی از حمایت های مالی آنها برخوردار می گردید. تقریباً غالب مدارس قرآنی در این دوره با توجه به فضا و موقعیتشان دارای کتابخانه ای بزرگ یا کوچک بودند، این موضوع ناشی از علاقه وافر فرمانروایان و شاهزادگان تیموری به جمع آوری کتاب و احداث کتابخانه بوده است. بذل توجه و همت و کوشش تیموریان به کتاب و کتابخانه، از جمله موضوعاتی است که نمی توان به سادگی از کنار آن گذشت. شاهان، شاهزادگان، رجال و حکام تیموری به طوری تقریبی همه دوستدار کتاب و کتابخانه بودند و در میان آنان کسانی مانند شاهرخ، بایسنقر، الغ بیگ و سلطان حسین در این زمینه بیش از همه کوشش نمودند (میرجعفری، ۱۳۸۵: ۱۱۸).

نتیجه گیری:

بر اساس کارکرد نظام آموزشی مساجد و مدارس قرآنی در دوره تیموری، این حکومت همیشه دوستدار علم و دانش بوده و به گسترش مسجد و مدرسه اهتمام می ورزیدند، عامل اصلی این کارکرد را باید در نگاه مثبت به علم و عالمان جستجو کرد، زیرا به سبب ارتباط دین و سیاست، حاکمان در اداره امور به مشارکت آنان نیازمند بودند. از این رو برای تحقق این هدف راهی جز بنای مدارس، مساجد و... و تعیین مقرری برای آنان نداشتند. در امر احداث مدارس قرآنی و حمایت از مراکز آموزشی قرآنی کمتر دوره ای از ادوار تاریخ شاهد چنین حضور فعالی بوده است. و افراد متعدد به علم آموزی، ایجاد مراکز آموزشی و نهاد های وابسته نگاه مثبتی داشتند. در حقیقت کثرت فزونی

نظام های آموزشی، بالندگی علمی به وجود آورد. البته وجود صلح، آرامش، امنیت، وضعیت اقتصادی مناسب نیز در این زمینه نقش به سزایی داشته است. و این نظام های آموزشی قرآنی به مراکز آموزشی-تعلیمی مبدل شدند.

بنیان مساجد موقوفات زیادی در جهت امور آموزشی و نگهداری و حفاظت اماکن مقرر می نمودند و مدارس دوره تیموری کار کردهای متفاوتی داشته است، علاوه بر تعلیم و تعلم، محل استراحت مسافری در راه بوده است. روش تدریس بر اساس مناظره بود و در کنار مدرس، معیدان وجود داشته، بنابراین اساس تحصیلات در این دوره رنگ مذهبی داشت و تفسیر، حدیث، فقه، کلام، علم رجال، اخلاق تدریس می شد و توسط علمای دینی و اصحاب مذهب در علم حوزه شرعی، عقلی و ادبی اداره می شد.

منابع:

قرآن کریم

آژند، یعقوب. (۱۳۷۹)، تاریخ تیموریان به روایت کمبریج، تهران: جامی.

آمدی، ابوالفتح (۱۳۷۵) غررالحکم و دررالکلم، رحمتی، محمد، نغمه قرآن، قم.

ابن بطوطه، (۱۳۷۶)، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمد علی موحد، تهران: نشر کتاب.

اللهیاری، فریدون، گودرزی، معصومه، فیاض، ابوالحسن (۱۳۹۴)، نهضت توسعه نهاد های آموزشی در دوره

تیموری نقش سلاطین و خواتین در پیشبرد آن، پژوهش های تاریخی ایران و اسلام، پاییز و زمستان،

ش ۱۷. دانشگاه سیستان و بلوچستان.

امیر خانی، غلامرضا. (زمستان ۱۳۸۳)، (جایگاه کتاب در مناسبات فرهنگی تیموریان)، کتاب سال پانزدهم ش

۴. تهران.

ایمانیه، مجتبی. (۱۳۵۵)، تاریخ فرهنگ اصفهان، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

تکمیل همایون، ناصر. (۱۳۸۵)، آموزش و پرورش در ایران. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.

پاینده، ابوالقاسم (۱۳۲۴) نهج الفصاحه، تهران، جاویدان.

حتی، فیلیپ (۱۳۵۰)، شرق نزدیک در تاریخ، ترجمه قمر آریان، تهران، بنگاه نشر کتاب.

حسینی تربتی، ابوطالب. (۱۳۴۲ و ۱۳۶۲)، تزو کات تیموری، تهران: اسلامی.

حر عاملی، (۱۴۱۴) وسایل الشیعه، نوری، فضل الله، قم، آل البیت.

- خوافی، ابوالقاسم. (۱۳۵۷)، منشأ الانشاء، ج ۲، به قلم نظام الدین عبدالواسع نظامی باخزری، به کوشش رکن الدین همایونفرخ، تهران: دانشگاه ملی ایران.
- خواند میر، غیاث الدین بن همام الدین الحسینی. (بی تا)، حبیب السیر فی اخبار افراد البشر، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران: خیام.
- خدارحم، رقیه (۱۳۹۵)، دستاوردهای علمی و فرهنگی شاهرخ تیموری، تاریخنامه خوارزمی، سال سوم، تابستان، ش ۴.
- درانی، کمال. (۱۳۷۶)، تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام. تهران: سمت.
- سلطانزاده، حسین، (۱۳۶۴)، تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا سیس دارالفنون، تهران، آگاه.
- سلامه قضاعی، محمد (۱۳۹۷) شرح فارسی شهاب الاخبار (کلمات قصار پیامبر)، دانش پژوه، محمد تقی، تهران، دانشگاه تهران.
- سمرقندی، محمد بن عبدالجلیل و خواجه سمرقندی، ابوطاهر (۱۳۶۷)، قندیه و سمریه، به کوشش ایرج افشار، تهران: موسسه فرهنگی جهانگردی.
- شانه چی، کاظم (۱۳۹۲)، تاریخ حدیث، تهران، سمت.
- شلبی، احمد (۱۳۷۵)، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه ساکت، محمد حسین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- صابری یزدی، علیرضا (۱۳۷۵)، الحکم الزاهره عن النبی و عترته الطاهره، ترجمه انصاری محلاتی، محمد رضا، تهران، سلزمان تبلیغات.
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۶۳)، آموزش و دانش در ایران، تهران: نوین.
- ضوابطی، محمد علی. (۱۳۵۹)، پژوهشی در نظام طلبگی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- عطاردی، عزیز الله. (۱۳۷۱)، تاریخ آستان قدس رضوی، ج ۱ و ۲، تهران: انتشارات عطارد.
- ضمیری، محمد علی (۱۳۷۱)، تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام، شیراز، راهگشا.
- غنیمه، عبدالرحیم. (۱۳۹۴، ۱۳۷۷)، تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی، (نورالله کسایب مترجم)، تهران: دانشگاه تهران.
- کسایب، نورالله (۱۳۶۳)، مدارس نظامیه و تاثیرات علمی و اجتماعی آن، تهران، امیرکبیر.
- کشاوری، محمد علی (۱۳۸۲)، تاریخ آموزش و پرورش در ایران، تهران، روزبهان.
- کلینی، (۱۳۹۷) اصول کافی، اتصاری، حسین، قم، دارالعرفان.

- کوئن، بروس (۱۳۸۹) مبانی جامعه‌شناسی، توسلی، غلامعباس، فاضل، رضا، تهران، سمت.
- کی منش، عباس (۱۳۷۴)، کتابخانه‌های ایران در دوره تیموریان، دانشکده ادبیات علوم انسانی، دانشگاه تهران ش ۱۳۳ تا ۱۳۶.
- گیدنز، آنتونی، ساتن، فیلیپ (۱۳۷۶) نایی، هوشنگ، تهران، نشر نی.
- میر جعفری، حسین. (۱۳۸۹)، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، تهران: سمت.
- میر خواند، محمد بن خاوند شاه. (۱۳۳۹)، تاریخ روضه الصفا، تهران: خیام و پیروز.
- نخستین، مهدی. (۱۳۶۷) تاریخ سرچشمه‌های اسلامی آموزش و پرورش غرب، (عبدالله ظهیری مترجم)، مشهد: آستان قدس رضوی.
- نعمتی لیمایی، امیر. (۱۳۸۵) تاریخ آموزش و پرورش در روزگار فرمانروایی مغولان و تیموریان، سبزواری: امیدمهر.
- نظریان، شهربانو. (۱۳۹۳) بررسی تعلیم و تربیت در دوره ایلخانان و تیموریان، کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ره)، شهر ری.
- نوایی، علیشیر. (۱۳۶۳). تذکره مجالس النفایس، به کوشش علی اصغر حکمت، تهران: منوچهری.
- واصفی، زین الدین محمود. (۱۳۴۹) بدایع الوقایع، تصحیح الکساندر بلدروف، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- یارشاطر، احسان. (۱۳۲۴) شعر فارسی در عهد شاهرخ، تهران: دانشگاه تهران.

Abstract

The purpose of this study is to identify the function of the Quranic educational system, mosque and school in the Timurid period. For this research, an analytical method with a historical approach has been used. Findings The research shows that the educational system has a special place in the history of Islam. The study of cultural and scientific achievements of different ages and centuries requires attention to educational organizations of that period, such as mosques and schools. Apart from being places for discussions and debates, these places helped to spread and transmit Islamic culture. During the Timurid period, government officials each contributed to the development of the educational institution. Despite the relative calm, political and security stability that followed the death of Timur in the Timurid realm. The living conditions of the people also improved and a suitable ground was prepared for scientific and cultural movement and mosques, schools, libraries and many educational circles were built. Therefore, in this research, we try to rely on library documents and resources, how The function of Quranic educational systems in the Timurid government should be shown. On the other hand, they pursued the legitimacy of the government. In fact, it can be said that changing their policy towards expanding the education system as a God-pleasing act,

training administrative staff and gaining popularity through paying attention to science was very effective in expanding this institution.

Keywords: Timurids, educational system. Mosque, school.